

Original Article

Challenge with Medicine

(A Glance at the Battle between Superstition and Medicine in Iran from 1200 to 1800 AD with Reference to Three Pieces of Persian Writing)

Mojtaba Mojarrad¹

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, University of Bojnord, Bojnord, Iran.

Email: mojarrad_mojtaba@yahoo.com

Received: 25 Aug 2018 Accepted: 28 Nov 2018

Abstract

Background and Aim: The prevalence of superstition became widespread in Iran, especially after the Mongol invasion in the seventh century AH and expanded from religious to scientific domains. In the meantime, the knowledge of medicine was subject to superstition more than other sciences and various works and books were written on the subject of the sciences of strangers or medical professionals. In this article, we have tried to analyze the methods and tools as well as the morphology of these medical superstitions based on three Persian manuscripts, which have been compiled between the ninth and twelfth centuries.

Materials and Methods: This research is a documentary study. In addition to historical books, three Persian-Arabic manuscripts have been used in this study: Two manuscripts are kept in the Turkish Nuruosmaniye library and one is kept in the library of the Islamic parliament in Iran.

Findings: This study shows that the most important causes of the spread of medical superstitions are: Unfamiliarity with the main causes of disease, trying to Ineffectively Show Medicine and cultural, social and economic disruptions. The overall structure of superstitions is based on: Using obscure titles and words, Inducing and using words in a specific way, the use of numbers and letters in a particular time and place and trying to gain the trust and confidence of the audience.

Conclusion: An examination of the similarities and general structure of superstitious medical beliefs shows that these superstitions focus on "simulation". Proponents of superstitions have sought to actualize their beliefs by making similarities between superstitions and religious beliefs - especially for women and children and gradually introduce superstitions as metaphysical alternatives to experimental medical methods.

Keywords: Medicine; Superstition; Persian Manuscript; Tohfat al-Gharayeb; Occult Science

Please cite this article as: Mojarrad M. Challenge with Medicine a Glance at the Battle between Superstition and Medicine in Iran from 1200 to 1800 AD with Reference to Three Pieces of Persian Writing). *Med Hist J* 2019; 10(37): 31-41.

ستیز با طب

(ریخت‌شناسی خرافه‌های طبی در ایران از قرن هفتم تا دوازدهم قمری با تکیه بر سه دستنویس فارسی)

مجتبی مجرد^۱

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران. Email: mojarad_mojtaba@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۷/۶/۳ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۷

چکیده

زمینه و هدف: رواج خرافات به ویژه پس از حمله مغول (قرن هفتم قمری) در ایران شیوع فراوان یافت و از ساحت مذهبی به حوزه‌های علمی نیز تسری یافت. در این میان، دانش طب بیش از دیگر علوم، دستخوش خرافه‌گرایی گردید و آثار و کتب گوناگونی با موضوعات «علوم غریبه» یا «اوراد طبی» تألیف گردید. ما در این مقاله کوشیده‌ایم با تکیه بر سه دستنویس فارسی، که در فاصله قرن‌های هفتم تا دوازدهم قمری تألیف شده است، به تحلیل و بررسی ریخت خرافات طبی بپردازیم. از رهگذر این بررسی مهم‌ترین دلایل، مخاطبان و نوع خرافه‌های طبی واکاوی خواهد شد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته است. علاوه بر کتاب‌های تاریخی، در این پژوهش از سه دستنویس فارسی - عربی استفاده شده است که دو دستنویس در کتابخانه نور عثمانیه ترکیه و یک دستنویس در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

یافته‌ها: این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل گسترش خرافه‌های طبی، ناآشنایی با علل و عوامل اصلی بیماری‌ها، تلاش برای بی‌ثمر نشان دادن طب و نابسامانی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. ریخت کلی خرافه‌ها مبتنی بر استفاده از عناوین و الفاظ نامفهوم، تلقین‌ها و کاربردهای ویژه، بهره‌گیری از اعداد و حروف در زمان و مکان خاص و تلاش برای جلب اعتماد و ایمان مخاطب است.

نتیجه‌گیری: بررسی مشابهت‌ها و ریخت کلی باورهای خرافی طبی نشان می‌دهد که عنصر این خرافه‌ها تمرکز بر «شبیه‌سازی» است. بدین معنا که متولیان خرافه‌ها کوشیده‌اند از طریق ایجاد مشابهت میان خرافه‌ها و باورهای دینی خردگرایان - به ویژه در باب زنان و کودکان - واقع‌نمایی اوراد خود را تبثیت کنند و به تدریج خرافه‌ها را به عنوان جایگزین کارآمد و متافیزیکی روش‌های تجربی طبی معرفی کنند.

واژگان کلیدی: طب؛ خرافه؛ دستنویس فارسی؛ تحفة الغرائب؛ علوم غریبه

مقدمه

دیرپایی دانش طب تا آنجاست که در سایه‌روشن‌های آغازین تاریخ گم می‌شود. هنوز هم کسی نمی‌تواند مدعی شود زمزمه‌های نخستین طبابت از کجای تاریخ آغاز می‌گردد و اولین اطبا چه کسانی بوده‌اند. این سابقه دیرینه، همواره با پیچ و خم‌های بسیاری همراه بوده و در جغرافیای تاریخی مناطق گوناگون، تبلورهای متنوعی داشته است. کسانی که با تاریخ علم آشنايند، به خوبی می‌دانند که طبابت از زمره علوم تجربی به شمار می‌آید که در گستردگی و فراگیری تقریباً بی‌همورد بوده است. با این همه، طب نیز از آفت‌های گوناگون درونی و بیرونی در امان نمانده و بدخواهان از ستیز با آن غفلت نورزیده‌اند.

یکی از رقیبان اصلی و بلکه دشمنان قسم‌خورده طب، پیشروان و پیروان خرافه‌گرایی بوده‌اند. گستره فعالیت خرافه‌گرایان، محدود به منطقه‌ای خاص نبوده و در تمدن‌های گوناگون بشری، از شمال آفریقا و مصر گرفته تا شرق و جنوب غرب آسیا به شکل‌های گوناگون نمود یافته است. تمدن ایرانی نیز از این آفت برکنار نمانده و در دوره‌های مختلف دستخوش خرافه‌های رنگارنگ طب‌ستیزانه بوده است. متأسفانه تاکنون پژوهش مستقلی در باب بررسی خرافه‌های طبی در تمدن ایرانی به چشم نیامده است. اهمیت این مسأله زمانی روشن‌تر می‌شود که پس از مراجعه به دستنویس‌های فارسی و عربی مربوط به پس از ورود اسلام به ایران، با تعداد زیادی از دستنویس‌های مرتبط با خرافات طبی رو به رو می‌شویم. این دستنویس‌ها عموماً مورد توجه قرار نمی‌گیرند و پرداختن به آن‌ها کاری بیهوده شمرده می‌شود، حال آنکه واکاوی این آثار می‌تواند بر بخش‌های پنهانی از فرهنگ ایرانی - به ویژه درباره تقابل خرافه و علم - نور افکند.

ما در این مقاله سه دستنویس فارسی - که در ابتدای بخش ریخت‌شناسی معرفی شده است - را مبنای کار خود قرار داده‌ایم. هر کدام از این سه دستنویس، از زاویه‌ای خاص و با نگاهی متفاوت به رواج خرافه‌های طبی کمک کرده است. این آثار در حد فاصل قرن هفتم تا دوازدهم قمری در موضوعات علوم غریبه و دعا نوشته شده است و تاکنون نه تنها مورد توجه

قرار نگرفته، بلکه حتی به صورت چاپی نیز منتشر نشده است. بنابراین پژوهش در باب این دستنویس‌ها و همچنین ریخت‌شناسی خرافه‌های طبی آن‌ها نخستین‌بار در این مقاله مطرح می‌شود.

اهمیت پژوهش حاضر در این است که می‌کوشد با تکیه بر منابعی که تاکنون شناخته‌شده نبوده، به بررسی ابعاد فرهنگی و اجتماعی شیوع خرافه‌های طبی بپردازد و با ریخت‌شناسی این خرافه‌ها، زیرساخت‌های اصلی و مخاطبان آن‌ها را بنمایاند. از این رو پژوهش حاضر می‌کوشد به چند پرسش مهم پاسخ دهد: ۱- چرا دانش طب زمینه مستعدی برای خرافی‌شدن داشته است؟ ۲- خرافه‌های طبی بر اساس چه پیش‌زمینه‌هایی طراحی و به مخاطبان عرضه می‌شده است؟ ۳- چه عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی یا سیاسی در رواج خرافه‌های طبی مؤثر بوده است؟ ۴- ریخت‌شناسی کلی این خرافه‌ها چگونه قابل تبیین است؟

پیش‌زمینه‌های خرافی‌شدن طب

قرآن کریم به عنوان متن اصلی جهان اسلام، همواره انسان‌ها را به سوی خردورزی فرامی‌خواند و از خرافات و باورهای بی‌بنیاد پیشینیان تبری می‌جوید. سیره پیامبر اکرم و بزرگان دینی اسلام نیز نمود عملی خردورزی قرآنی است. دعوت به عقلانیت چنان در رگ و جان عالمان و بزرگان اسلام ریشه دوانده است که برخی از عالمان و محدثان مسلمان، به جای آنکه آثار حدیثی خود را با «توحید» یا «معاد» یا دیگر باورهای دینی آغاز کنند، دیباچه سخن را با ستایش خرد می‌آراستند، چنانکه به عنوان نمونه، شیخ کلینی کتاب «کافی» را که معتبرترین متن حدیثی شیعیان به شمار می‌آید با «کتاب العقل» آغاز کرده است (۱).

با وجود این تعالیم روشنی‌بخش، متأسفانه علل و عوامل گوناگونی سبب شده است تا در تمدن ایرانی - اسلامی، عده‌ای به سوی ستیزه‌جویی با اندیشه و اندیشیدن گام برداشته و زمینه‌های خرافه‌گرایی را گسترش دهند. در این میان، علوم و دانش‌های گوناگون از جمله نجوم، شیمی (کیمیا) و طب نیز از این خرافه‌ها در امان نماند، به ویژه طب که بیش از تمامی

علوم تجربی، نبرد با خرافه را تجربه کرد، زیرا از یکسو ارتباط مستقیم و دائمی با افشار گوناگون اجتماع داشت و از سوی دیگر دانشی بود که به حیث اقتصادی، متضمن درآمد خوبی بود، ضمن آنکه ناشناختگی بسیاری از بیماری‌ها و ارتباط آن با مسائل متافیزیکی، زمینه مساعدی را برای رواج خرافات طب‌ستیزانه فراهم می‌کرد.

یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های رواج خرافات طبی، ناآشنایی عمومی با علل و نوع بیماری‌ها بوده است. این ناآشنایی به تدریج زمینه سوءفهم و سوءاستفاده برخی را فراهم ساخت و سبب شد که مدعیان، علل مادی و فیزیکی بیماری را از زمین به آسمان ببرند و به یکباره امراض و بیماری‌ها را پدیده‌هایی متافیزیکی بشمارند که درمان‌هایی از همان جنس دارد. این تلاش‌ها تا آنجا پیش رفت که احادیث گوناگونی در باب علل رواج و درمان بیماری‌ها از قول پیامبر نقل شد و حتی کتاب‌های مستقلی در این باب به رشته تحریر درآمد. ابن حجر عسقلانی (۸۵۲-۷۷۳ ق.) محدث و فقیه بزرگ شافعی‌مذهب که در مصر می‌زیست کتابی نگاشته با عنوان «بذل الماعون فی اخبار الطاعون». وی در این اثر، طاعون را عذابی الهی می‌شمارد که برای کافران نازل شده و اگر مسلمانی از بیماری طاعون بمیرد، شهید از دنیا رفته است (۲). عسقلانی در همین کتاب به صراحت با دیدگاه اطبای زمان خود در مورد علل بیماری طاعون مخالفت کرده و علل فرامادی را در این زمینه دخیل می‌داند (۲). این کتاب نمونه کاملی از دیدگاه‌های کسانی است که برای بیان علل و چگونگی درمان بیماری‌ها به سراغ توجیهاات متافیزیکی و تحلیل‌هایی از این دست رفته‌اند.

نمونه کهن‌تر و ستیزه‌جویانه‌تر را می‌توان در کتاب تثبیت «دلایل النبوة» قاضی عبدالجبار (م ۴۱۵ ق.) دید. این کتاب چنانکه از نامش برمی‌آید، در باب اثبات نبوت است. مؤلف در لا به لای این اثر به ستیزه با دانش‌های تجربی گوناگون می‌پردازد، چنانکه در جایی با تمسخر می‌گوید «کندی که یکی از ملحدین به ظاهر مسلمان است... رساله‌ای دارد که در آن مدعی شده که سبب جزر و مد [دریاها] دوری و نزدیکی ماه است، در حالی که دریاهاى دیگری جز خلیج فارس وجود

دارد که جزر و مد ندارند و همگی آن‌ها زیر آسمان است و ماه بر همه آن‌ها می‌تابد!!» (۳). همو ادعا می‌کند که بسیاری از طبیبان دارویی را به کسی می‌دهند و او را مطمئن می‌کنند که بهبود می‌یابد، اما بیمار پس از مصرف دارو می‌میرد! وی در ادامه، اصل طب و داروهای گوناگون طبی را با رویکردهای کلامی به چالش می‌کشد و حکایات گوناگونی از آدم‌کشی‌های طبیبان در بلاد گوناگون نقل می‌کند و مخالفت برخی از آنان با احادیث طبی منسوب به پیامبر را نشانه جهلشان می‌شمارد (۳). بدیهی است که وی در تمام این موارد می‌کوشد تا علل و اسباب ماورای طبیعی را در حوزه‌های گوناگون علمی، از جمله طب اثرگذار بداند و هیچ محدودیتی برای دامنه این اثرگذاری قائل نیست.

دومین زمینه اصلی رواج خرافات طبی، بی‌ثمر نشان دادن تلاش‌های طبیبان در دوره‌های گوناگون بوده است. خرافه‌پرستان برای ترویج باورهای خود، نیاز جدی به تخریب طب و طبیبان داشته‌اند. از سوی دیگر ناکارآمدی برخی از طبیبان نیز دستمایه این باورهای خرافی شده و زمینه را برای گسترش فضای بی‌اعتمادی عمومی به طب و طبابت هموارتر می‌ساخت. این مسأله به ویژه در دوره‌هایی از تاریخ، از طریق طنزهای ادبی رواج یافت، چنانکه از حدود قرن هفتم به بعد نمونه‌های گوناگونی از تعریض به طبیبان را می‌توان در آثار ادبی فارسی یافت. برای نمونه، سعدی در باب پنجم بوستان، حکایت گردی را می‌آورد که شب نمی‌تواند از درد پهلو بخوابد و طبیب پس از معاینه وی به این نتیجه می‌رسد که او همان شب خواهد مُرد، اما

فضا را طبیب اندر آن شب بمرد
چهل سال از این رفت و زنده است گرد (۴)

یا آنکه فخرالدین علی صفی (م ۹۳۹ ق.) باب پنجم کتاب خود را به «معالجه اطبا به طریق ظرافت» اختصاص داده و در آنجا حکایاتی از این دست آورده است: «طبییبی را دیدند که هرگاه به گورستان رسیدی، ردا بر سر کشیدی، از سبب آن سؤال کردند، گفت: از مردگان این گورستان شرم می‌دارم، زیرا

می‌کوشیم با بررسی سه نمونه از این آثار، ریخت کلی این خرافه‌ها را بررسی و تحلیل کنیم. پیش از ورود به بحث لازم است سه دستنویس مورد استفاده خود را به طور مختصر معرفی کنیم.

نخستین دستنویس، مجموعه‌ای از چند رساله در موضوع ادعیه و علوم غریبه است که به شماره ۹۵۷ در کتابخانه نور عثمانیه ترکیه نگهداری می‌شود. یکی از این رساله‌ها، مجموعه چند ورد است که برای شفای امراض گوناگون توصیه شده است. مؤلف این اثر شناخته‌شده نیست، اما چون در پایان رساله، دعایی از قول شیخ نجم‌الدین کبری (م ۶۱۸ ق.) آورده، قطعاً در قرن هفتم یا پس از آن می‌زیسته است. بر اساس نوع خط و علائم نسخه‌شناسانه، می‌توان تاریخ تقریبی کتابت نسخه را حدود قرن نهم قمری دانست. دستنویس دوم رساله‌ای است در علوم غریبه که به شماره ۱۶۵۰۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران) نگهداری می‌شود. مؤلف این نسخه نیز ناشناس است، اما با توجه به قراین نسخه‌شناسانه، تاریخ کتابت این دستنویس حدود قرن دهم یا یازدهم قمری است. دستنویس سوم، نسخه تحفة‌الغرائب از محمد بن شیخ محمد هروی است که در قرن دوازدهم قمری (۱۱۵۰ ق.) کتابت شده و به شماره ۲۸۴۸ در کتابخانه نور عثمانیه ترکیه نگهداری می‌شود. این کتاب دربردارنده مجموعه‌ای از ادعیه و اوراد در زمینه‌های مختلف، از جمله درمان بیماری‌ها است.

۱- ریخت‌شناسی مراجعان

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها در این پژوهش آن است که اوراد خرافی بیش از همه مورد استقبال چه کسانی قرار می‌گرفته است. بدیهی است که افراد گوناگون با امراض و دردهای مختلف، بر اثر شرایط اجتماعی و فرهنگی پیش‌گفته، به این اوراد تمایل نشان می‌دادند، اما با بررسی این آثار می‌توان فهمید که چه گروه‌هایی در اولویت خرافه‌فروشان قرار داشته است. این اولویت‌ها یا ناشی از کمیت مراجعه‌کنندگان بوده است و یا ناشی از کیفیت آن‌ها. به عبارت دیگر مبنای تدوین این آثار یا تعداد و میزان بیمارانی بوده که در یک حوزه جغرافیایی خاص زندگی می‌کرده و به این اوراد اطمینان داشته‌اند و یا طبقات اجتماعی خاصی که علاقه بیشتری به

بر هر که می‌گذرم، شربت من خورده است و در هر که می‌نگرم از شربت من مرده است» (۵). گسترش حکایاتی از این نوع، اگرچه نشان از واقعیاتی اجتماعی داشت، اما به تدریج منجر به نوعی بدبینی نسبت به اصل دانش طب و کارکرد طبیبان می‌شد و زمینه را برای برآمدن رقبای دیگر، از جمله خرافات پزشکی فراهم می‌ساخت.

یکی دیگر از عوامل مهم گسترش طب‌ستیزی، ناسامانی‌های سیاسی و اجتماعی ایران، به ویژه پس از حمله مغولان - در نیمه اول قرن هفتم هجری - است. قرن هفتم و هشتم قمری را وحشتناک‌ترین دوران تاریخ ایران از حیث قتل و عام‌ها و کشتارها و ویرانی‌های پیاپی دانسته‌اند (۶). افزایش خشونت‌های اجتماعی، به تدریج اسباب بی‌اعتمادی عمومی را فراهم آورد و در نتیجه میل به روی‌گردانی از دنیا و اندیشه‌های صوفیانه شدت گرفت. از سوی دیگر، چون مغولان بسیار اهل خرافه بودند و شرایط بد اجتماعی ایران نیز باعث می‌شد مردم به هر چیزی چنگ دراندازند، خرافات به گونه‌ای لجام‌گسیخته در میان عموم مردم گسترش یافت و به تدریج مقبول طبع واقع شد. حمله مغول و نابودی ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، زمینه مستعدی برای رشد بیمارهای روانی اجتماعی مانند خشونت و بدگمانی پدید آمد و فاجعه‌زدگی این پدیده، تأثیرات مخربش را به صورت آسیب‌های اجتماعی مانند رشد خرافه در طول قرن‌های بعد همچنان بر جای نهاد (۷). پیامدهای این باورهای خرافی محدود به همین دو قرن نماند، بلکه تا چندین قرن، با فرهنگ ایرانی عجین شد (۸-۹).

ریخت‌شناسی اوراد طبی خرافی

ستیز با طب، در نهایی‌ترین شکل خرافی خود به صورت ارائه اوراد و الفاظی درآمد که با تکرار آن‌ها می‌توان بر دردها و بیماری‌های گوناگون غلبه یافت. ادعای نویسندگان و خریداران این اوراد این بوده - و متأسفانه هنوز نیز، البته در سطح و نسبتی بسیار کم‌تر از گذشته، چنین است - که حتی بیماری‌های لاعلاجی که طبیبان نیز از درمان آن‌ها عاجزند، از طریق تداوم این اوراد درمان می‌شود. ما در این بخش از مقاله

آن کودکان بوده است. در مورد مردان نیز انواع بیماری‌ها و روش‌های خرافی درمان مطرح بوده است، با این همه این بخش به نسبت بیماری‌های مربوط به زنان و کودکان سهم چشم‌گیری نداشته است.

۲- ریخت‌شناسی اوراد خرافی

در یک نگاه کلی می‌توان ریخت اوراد خرافی طبی را دست کم در هفت شاخصه اصلی ترسیم کرد. این شاخصه‌ها عموماً در آثار گوناگون خرافی - طبی ثابت‌اند و فقط مصادیق آن‌ها تغییر می‌کند. ما کوشیده‌ایم بر اساس سه دستنویس مورد استفاده، به بررسی و تحلیل این شاخصه‌ها پردازیم.

۲-۱- استفاده از عناوین و الفاظ نامفهوم: در بسپای از

این اوراد، با الفاظی رو به رو می‌شویم که هیچ معنای مشخصی ندارد و کاملاً بر ساخته ذهن بیمار سازندگان آن‌هاست. گاه این الفاظ را با کلمات یا عبارات دیگری - از جمله آیات قرآنی - درمی‌آمیختند تا به ساخته‌های دروغین خود تقدس و مشروعیت ببخشند. علاوه بر این، یکی دیگر از راه‌های مشروعیت‌بخشی به این اوراد، جعل روایات گوناگون درباره همین الفاظ بی‌معناست، روایاتی که نه در متون معتبر حدیثی یافت می‌شود و نه حتی در متون نامعتبر حدیثی. روایاتی از این دست که فلان نام یا فلان واژه بی‌معنی بر پیشانی اسرافیل نوشته شده یا بر پر جبرئیل نقش بسته و یا... (۱۰).

برخی از این واژگان نامفهوم به تدریج چنان گسترش یافته که تبدیل به یک نام خاص شده و حتی ورد را بر اساس آن نام‌گذاری کرده‌اند. به عنوان مثال در دستنویس نور عثمانیه برخی از عناوین اوراد چنین است: دعای بَشْمَخ، دعای قَرْتِیَا، دعای تمخِیثَا (۱۰). جملات به کاررفته در اوراد نیز پر است از این دست واژگان و عبارات بی‌معنا، مثلاً به جملات ابتدایی ورد بَشْمَخ توجه کنید: «اللهم یا بَشْمَخ بَشْمَخ ذالها موشی ثطیون، اللهم یا ذانوا مخلوئوا دایمون، اللهم یا خیثو میمون ارقش دارعینون، اللهم یا همیشاد هلیون میطظرون، اللهم یار غطیشوا اخلاخون...» (۱۱-۱۰).

از آنجا که این اوراد ساخته و پرداخته ذهن مردم‌فریب وردسازان بود و هیچ مبنای علمی نداشت، در کتاب‌های گوناگون به شکل‌های مختلف نوشته می‌شد و همین نکته

این نوع از درمان نشان می‌داده‌اند. در بسیاری از موارد تمیز قائل شدن بین این دو مورد بسیار سخت است، اما ریخت‌شناسی مراجعان تا حدی می‌تواند ما را در این زمینه یاری کند.

متون مورد استفاده در این پژوهش نشان می‌دهد که زنان اصلی‌ترین مخاطبان این خرافه‌ها به شمار می‌رفتند و حجم زیادی از این آثار به طور مستقیم با دردها و دغدغه‌های آنان سر و کار دارد. راه‌های درمان نازایی و دستورات گوناگون برای چگونگی آبستن‌شدن، درمان کمبود یا فقدان شیر، راه‌های جلوگیری از مرگ نوزاد تا پیش از تولد، درمان انواع بیماری‌های پوستی مانند پیسی و کَلَف و بَهَق و نمونه‌هایی از این دست (۱۱-۱۰) نشان می‌دهد که زنان اصلی‌ترین جامعه هدف خرافه‌نویسان بوده‌اند. این مسأله علل گوناگونی دارد، اما به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایل آن، محدودیت‌های گوناگونی بوده که در فرهنگ گذشته ایرانی بر زنان تحمیل می‌شده است، مثلاً این‌که زنان نباید جز برای ضرورت از منزل بیرون می‌رفتند و از سوی دیگر آوردن طبیب مرد برای درمان بیماری‌های زنان چندان مورد پذیرش نبود (۱۳-۱۲). از سوی دیگر طبیب زن - به معنای حرفه‌ای آن - یا وجود خارجی نداشته و یا در مواردی استثنایی فقط در شهرهای بسیار بزرگ - آن هم به تعداد انگشت‌شمار - وجود داشته است. بدیهی است که در چنین شرایطی، تمسک به اورادی که می‌تواند بدون طبیب، بیمار را بهبودی ببخشد، یکی از مهم‌ترین راه‌های در دسترس زنان بوده است.

بعد از زنان، کودکان بیشترین جامعه هدف خرافه‌نویسان را تشکیل می‌داد. شرایط بهداشتی نه‌چندان مطلوب و ضعف بنیه بدنی اطفال باعث می‌شد که بیشتر از دیگر گروه‌ها در معرض انواع بیماری‌ها قرار بگیرند. از سوی دیگر آموزش‌های بهداشتی وجود نداشت و مادران به عنوان اصلی‌ترین حامیان اطفال، خودشان درگیر خرافه‌های طبی بودند. در چنین شرایطی، کودکان به سبب آنکه بیشتر در معرض خطر موجودات خبیثه قرار داشتند، باید بیشتر از طلسمات و اوراد طبی بهره می‌بردند و حتی روش تأثیر این اوراد در اطفال با روش استفاده بزرگسالان متفاوت بود (۱۱). با توجه به نکات یادشده اولویت مراجعان اوراد خرافی، در مرحله نخست زنان و پس از

مخاطبان بوده است، زیرا با این روش‌ها می‌توانستند عمل‌نکردن ورد را ناشی از بی‌دقتی در نگارش آن بدانند و مخاطب را همچنان امیدوار نگاه دارند. به عنوان نمونه صاحب تحفة‌الغریب در باب چهارم کتابش (دفع امراض که در معالجه آن عاجز باشند) آورده است: «و اگر بنویسد این آیات را بر قطعه مس به مشک و زعفران و هفت نوبت بر آن مس خواند... صحت یابد و در آخر آن قطعه مس را بشوید و آب آن بخورد» (۱۶).

در برخی از اوراد، تأکید شده است که نوشتن دعا بر وسایل گوناگون تأثیرات متفاوت دارد، چنانکه مثلاً اگر کسی دعای بشمخ را بر مشتی خاک بخواند و به سوی دشمن بریزد، بر او پیروز می‌شود و اگر بر فلز قلع بنویسد و همراه داشته باشد، باهویت می‌گردد و اگر با مشک و زعفران و گلاب نام کسی را بر دسته شمشیر بنویسند، آرام و قرار از او می‌رود (۱۰). همچنین وردنویسان برای آنکه افراد را با خود همراه سازند، در مواردی برای همراهان بیمار نقش فاعلی قائل می‌شدند. بدین معنی که او می‌بایست برای درمان بیمار، عبارات یا واژگان خاصی را تکرار کند. برای نمونه در دستنویس مجلس تأکید شده است که پس از دوددادن طلسم با پوست سیر و موی گربه و چند ماده عجیب دیگر در زیر دامن بیمار، یک نفر باید این جملات را تکرار کند: «شداد داد لعنت، نمرود دود لعنت، فرعون عون لعنت، ضحاک بی‌باک لعنت» (۱۱). جملات بی‌ربطی که هدف اصلی‌شان، ایجاد حس کمک در فرد همراه بیمار است.

۲-۴- زمان و مکان خاص نگارش اوراد: یکی دیگر از

تأکیدات وردنویسان آن بوده که اوراد حتماً باید در زمان مشخصی نوشته شوند، وگرنه عمل نخواهند کرد. به نظر می‌سد این مسأله نیز به همان علتی مطرح شده که در مورد پیشین مطرح کردیم. علاوه بر آن، گویا پیش‌زمینه‌های مربوط به زمان و احیاناً مکان‌های خاص برای انجام عبادات دینی، وردنویسان را به این سو کشانده که از طریق همانندسازی با برخی ساز و کارهای عبادی - مذهبی، کار خود را مشروع و موجه جلوه دهند. به عنوان نمونه تأکید شده است که فلان دعا باید حتماً در روز نوروز یا روز اول ماه نوشته شود، وگرنه تأثیر نخواهد داشت یا گفته شده است: «و اگر کسی را نعوذ

دلیل دیگری است بر بی‌اعتباری و بی‌مبنایی این اوراد. برای نمونه، شمس‌الدین آملی (قرن ۸)، در کتاب نفایس‌الفنون که دانشنامه علوم گوناگون عصر اوست، در بخش علوم عزایم، ورد بشمخ را به شکلی کاملاً متفاوت آورده است: «اللهم یا بشمخ بشمخ و لا هارس تنتطبون الذی الاسماء الحسنی و الصفات العلیا و الضیاء و البهجة و البهاء یا ذاتو ملخوئو و مونوار یموتون الذی هو یمسح بکل مکان ممدوح بکل لسان مذکور فی کل اوان یا ارعش ارعیسط بوخ الاخوان الذی سبقت اولیتک قبل و لا قبل...» (۱۴).

۲-۳- تلقین پیش‌فرض ضروری بودن اوراد: یکی از

مهم‌ترین ترفندهای خرافه‌سازان طبی این بوده است که پیش‌فرض آزاررساندن موجودات خبیثه را در ذهن مخاطبان خود تبدیل به اصلی بدیهی نمایند. بدین معنی که مخاطب باید قبول کند جنیان یا دیگر موجودات خبیثه‌ای که قابل رؤیت نیستند، همواره درصدد آسیب‌رساندن به جسم آدمیانند و تنها کسانی می‌توانند از این آسیب‌ها رهایی یابند که از اوراد مذکور استفاده کرده یا آن‌ها را همراه داشته باشند. وردنویسان از پاره‌ای باورهای اسلامی، مانند باور به وجود جن که در قرآن کریم به آن اشاره شده است (۱۵). نهایت سوءاستفاده را برده و کوشیده‌اند انواع بیماری‌ها و دردهای لاعلاج را به آن‌ها نسبت دهند. در میان دستنویس‌های ما، دستنویس مجلس شورای اسلامی بیش از دو دستنویس دیگر بر این نکته تکیه کرده و حتی می‌توان گفت پیش‌فرض اصلی نگارش این کتاب، رهایی‌بخشیدن افراد از بیماری‌هایی است که توسط همین موجودات خبیثه پدید می‌آید. به گفته مؤلف کتاب، موجودات خبیثه می‌توانند فرد را آشفته کنند، به گونه‌ای که سخن کسی را نشنود و در خواب یاوه گوید و مصروع (دچار صرع) شود و چشمش سرخ گردد و دردسر و قولنج بگیرد و دچار درد معده و ناف و شکم و پشت و کمر شود و اگر کودک باشد موجود خبیث خون او را می‌نوشد و او را دچار تب می‌کند و... (۱۱).

۲-۳- مواد و نحوه خاص کاربرد اوراد: یکی از نکات

مهم در ریخت‌شناسی اوراد خرافی، نوع خاص نگارش یا مواد خاصی است که اوراد حتماً باید بر روی آن‌ها نگاشته شود. این ترفندها، تلاش وردنویسان برای زدودن شک و شبهه از

سپس در دیگ نهاده با آب باران بجوشانند و با آن سر خود را بشویند تا بهبود یابد (۱۰).

در حالت سوم، اساساً ورد با نوع و موضع درد هیچ ارتباط معقولی ندارد. به نظر می‌رسد در این حالت، وردنویسان آخرین تلاش خود را کرده‌اند تا از طریق تلقین یا تمرکز دادن فرد بیمار بر نیروهای غیبی، از شغل و هویت خویش دفاع کنند. در این موارد بیمار به شکیبایی توصیه می‌شود و رفتارهایی از او می‌خواهند که هیچ وجه عقلانی و درمانی در آن دیده نمی‌شود. به عنوان نمونه مؤلف دستنویس نور عثمانیه می‌نویسد: «اگر کسی را درد کرده باشد و به هیچ نوع خلاص نیابد، این خاتم (=ورد) بر هفت سنگ نوپسند و هر بامداد یک سنگ از آن در چاه افکنند، بعد از هفت روز چنانکه وی را آگهی نباشد، خلاص یابد» (۱۱-۱۰).

۶-۲- تکیه بر عدد و حروف: از روزگاران گذشته، اعداد و خاصیت‌ها و ویژگی‌های آن‌ها، از مباحث مطرح در میان گروه‌ها و فرقه‌های مختلف بوده است. فرهنگ اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به ویژه به سبب ذکر پاره‌ای از اعداد خاص در قرآن کریم و متون حدیثی، برخی از عالمان به این مقوله توجه نشان داده‌اند، حتی در دوران جدید، سخن از اعجازهای عددی قرآن به میان آمده است (۱۷). صورت افراطی‌تر توجه به اعداد، بعدها در توجه به حروف الفبا نمود یافت و کار به جایی رسید که فرقه‌هایی پدید آمدند که بنیاد اندیشه‌های آنان مبتنی بر حروف و اعداد بود. از نمونه‌های برجسته این فرق در ایران بعد از اسلام، می‌توان به حروفیه و نقطویه اشاره کرد (۱۸).

وردنویسان بر اساس سنت نانوخته خود، از این باور که پاره‌ای از اعداد، خاص به شمار می‌روند، نهایت سوءاستفاده را کردند. آنان در تألیفات خویش، برای ستیزه با طب، گاه به اعداد متوسل شدند و گاه با ترسیم جداولی که از منجمان به سرقت برده بودند، سعی در اقناع مخاطبان خویش نمودند. استفاده از حروف گوناگون و بی‌معنی که بیشتر مبتنی بر قرینه‌سازی الفبایی بوده، قدرت تخیل وردنویسان را نشان می‌دهد و می‌تواند میزان بی‌سوادی آنان را آشکارا به رخ بکشد (۱۱). توجه به اعداد به صورت‌های مختلف در اوراد خرافی به

بالله پیسی و یا بهق یا کلف و مانند این واقع شود، این خاتم را پانزدهم ماه رمضان بنویسد و در شیشه کند با قدری آب باران و بر بالای بام بیاویزد، بعد از آنکه سه شبانروز بگذرد، بر آنجا که علت دارد بمالد شفا یابد» (۱۰).

توجه به زمان و مکان خاص، فقط مربوط به نگارش اوراد نبوده، بلکه شامل چگونگی کاربرد ورد نیز شامل می‌شده است. مخاطب نمی‌توانسته هر وردی را در هر زمان یا مکانی استفاده کند، زیرا شرایط استفاده از اوراد باید تابع دستور وردنویس باشد. به نظر می‌رسد وردنویسان در اینجا کوشیده‌اند باز هم بر اساس تئوری «شبیه‌سازی» اوراد به اعمال مذهبی و حتی دستورات طبیبان، به کار خود رنگ مشروعیت بزنند. به این نمونه‌ها توجه کنید: «زنی که شیرش کم باشد، این دعا را بر سه پارچه نان نوشته، سه روز ناشتا بخورد شیرش زیاد شود»؛ کسی که درد چشم، دردسر یا دندان درد دارد باید «در محرم، روز عاشورا، ریسمان هفت رنگ ابریشم یا پنبه» تهیه کند و «اسم خود را با مادرش گره بزند و این دعا را بخواند و در جای تاریک پنهان کند، تا سال آینده از آفات محفوظ ماند» (۱۱).

۵-۲- نوع درمانگری ورد: یکی از نکات بسیار جالب در عموم اوراد خرافی طبی، چگونگی درمان به وسیله اوراد است. خرافه‌نویسان در این موارد به سه روش عمل کرده‌اند: گاه ورد، دست‌کم با محل و نوع درد ارتباط دارد، این ارتباط تا حدی به مخاطب اطمینان می‌دهد که ورد مذکور اساساً برای درمان درد وی آمده است، چنانکه مثلاً اگر کسی عبارت «یا مصطلون» را نوشته، بر ساق پا بندد، راه‌رفتن‌های طولانی به پایش آسیب نمی‌رساند (۱۶) یا اگر کسی به درد پشت مبتلا باشد، باید ورد مخصوص را نوشته و به پشت خود ببندد تا بهبود یابد (۱۱).

در حالت دوم، ارتباط ورد با محل و نوع درد چندان معقول نیست، چنانکه در موارد گوناگون وردنویس توصیه کرده است برای درمان انواع دردها، فلان ورد نوشته و بر باز و بسته شود یا آن را در آب حل کرده و بخورند (۱۱) یا حتی مواردی وجود دارد که مثلاً برای درمان درد شکم یا درد چشم، توصیه شده است ورد را بر هفت ورق خیار نوشته و خشک کنند و

تلاش‌های مریدسازانه، دست کم به دو دلیل انجام می‌گرفت: نخست عادت‌دادن مخاطب به تسلیم در برابر یاهوهای نابخردانه و غیر تجربی؛ دوم کوشش برای گریز از نارسایی‌های فراوان ناشی از عمل‌نکردن اوراد. وردسازان در عموم موارد می‌توانستند مخاطبان ساده‌اندیش خود را که با این اوراد درمان نمی‌شدند، اقناع پیش‌فرضی کنند، بدین معنا که وی را برای اعتقاد کامل نداشتن به ورد مورد شماتت قراردهند و از این راه دعوی حریف را مبدل به دعوی خود کنند و به جای بدهکار در لباس طلبکاری درآیند.

نتیجه‌گیری

دانش طب از دیرپاترین دانش‌های تجربی بشر است و همواره عموم انسان‌ها با آن سر و کار داشته‌اند. این دانش بنا به ویژگی تجربی بودنش، همواره محل آزمون و خطا بوده است. به تدریج و با توسعه تمدن بشری، گروهی به این فکر افتادند تا به جای استفاده از ابزارهای تجربی و کوشش و استفاده از آموخته‌های تجربی، از راه‌های غیر طبیعی به درمان بیماری‌ها بپردازند. این اندیشه در تاریخ ایران بعد از اسلام نیز رسوخ داشته و به ویژه در دوره‌هایی که اوضاع اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی راه افول را پیموده، خودنمایی می‌کند.

مدعیان طبابت‌های متافیزیکی، با سوءاستفاده از اوضاع نابسامان اجتماعی و تحریف و «شبیه‌سازی» پاره‌ای از باورهای دینی - که مبتنی بر ایمان و اعتقاد مذهبی بوده است - به ترویج خرافه‌های طبی پرداخته‌اند. این خرافه‌ها که بر اثر ناآشنایی عمومی با علل بیماری‌ها و نیز ناکارآمدی طبیبان در درمان برخی بیماری‌ها - به علت محدودیت‌های علمی و فنی آن دوران - به تدریج گسترش یافت، زمینه پیدایش آثار و کتب گوناگون خرافی را فراهم ساخت، کتاب‌هایی که به جای تکیه بر دانش و تجربه علمی، استفاده از اوراد گوناگون را برای درمان انواع بیماری‌ها تجویز می‌کرد.

با بررسی نمونه‌هایی از آثار خرافی - طبی می‌توان ریخت‌شناسی این دسته از آثار را در هفت شاخصه اصلی مطرح نمود. در این اوراد تلاش می‌شود از عناوین و الفاظ نامفهوم استفاده شود؛ به مخاطب تلقین می‌شود که موجودات

چشم می‌خورد. گاه تأکید شده است که فلان ورد باید حتماً به تعداد معینی خوانده یا نوشته شود. در میان دستنویس‌های مورد استفاده در این پژوهش، تحفة‌الغرائب در این زمینه بسیار برجسته است. در جای‌جای این کتاب، تأکید شده است که هر ورد باید دقیقاً و حتماً به تعداد مشخصی خوانده یا نوشته شود، وگرنه کارآیی خود را از دست خواهد داد. برای نمونه به این مورد توجه فرمایید: «اگر کسی را مرضی باشد، چون قولنج و لقوه و جذام و غیر آن، نعوذ بالله منها، چنگ در حبل‌المتین این اوراد کریمه زند، چهل هزار و چهارصد و هشتاد و یک بار در مدت یکصد و بیست روز بخواند، هر روز سیصد و سی و هفت بار و هر جمعه سیصد و سی و نه بار بخواند، چون روز آخر شود سیصد و سی و چهار بار بخواند و ختم به اتمام رساند و اگر به این عدد عمل نتواند کرد، به عدد خاتم در یک مجلس ششصد و دو نوبت بخواند، از امراض دیرینه صحت یابد و اگر درد کند هر روز پنج نوبت که خاتم خاتم است یا هشت نوبت که عدد صغیر است بخواند هرگز رنجور نگردد...» (۱۶).

۷-۲- ایمان داشتن به ورد: یکی از اصول ثابتی که در تمام تألیفات خرافی - طبی به چشم می‌خورد، این است که مخاطب هیچ‌گاه نباید نسبت به اوراد یا کارکرد آن کوچکی تردیدی به خود راه دهد. این راهبرد در چند مرحله به مخاطب یادآوری می‌گردد. در مرحله نخست تأکید می‌شود که این اوراد نام‌های مقدسی است که اگرچه نامفهوم به نظر می‌رسد اما برگرفته شده از اسامی خداوند، فرشتگان و دیگر موجودات قاهری است که می‌توانند زندگی آدمی را به شدت تحت تأثیر قرار دهند. عباراتی از این دست که فلان ورد یا فلان واژه‌ها «بر پیشانی اسرافیل نوشته شده» یا «بر پر جبریل نوشته شده» و یا «این نام‌ها از کتب مقدس است»، به مرور پذیرش این باور را برای مخاطب آسان می‌گرداند که «درین شک نیاورند که بسیار بسیار نام‌های بزرگوار خداوند جل جلاله است و هر که شک آرد کافر گردد» (۱۰).

تلاش برای تقدیس اوراد خرافی - طبی تا آنجا پیش می‌رود که مخاطب ملزم می‌شود «در وقت نبستن با طهارت باشد و به شرط نویسد» (۱۰). به عبارت دیگر مخاطب باید با اعتقاد تمام این اوراد را بنویسد و به آن‌ها عمل کند. این

خبیثه همواره درصدد آسیب‌رساندن به وی هستند و تنها راه دفاع در برابر آن‌ها همراه داشتن اوراد است. نحوه و کاربرد اوراد شیوه‌های خاص و منحصر به فردی دارد که اساساً مبانی تجربی و بخردانه ندارد. در بسیاری از اوراد تأکید می‌شود که ورد حتماً باید در زمان یا مکان خاصی نگاشته یا استفاده شود. روش درمانگری اوراد گاه مرتبط با محل درد، گاه کمی مرتبط و گاه کاملاً نامرتبط با محل بیماری و درد است. در عموم اوراد خرافی - طبیبی توجه به حروف و اعداد به چشم می‌خورد و شاخصه هفتم این آثار تأکیدهای مکرر بر عدم تردید از سوی مخاطب است. آنچه در تمام این موارد مشترک است «استفاده از قدرت شبیه‌سازی» است. بدین معنا که مهم‌ترین زیربنای اصلی این خرافه‌ها، باورپذیرکردن آن‌ها از طریق ایجاد مشابهت میان خرافه‌ها و باورهای دینی بوده است.

References

1. Kulayni AJM. Al-Kafi. Achievement Department of Heritage Revival Research Center Dar al-Hadith. Qom: Dar al-Hadith; 2008. Vol.1 p.23-71. [Arabic]
2. Asqalani IH. Bazl al-Ma'a'un fi al-Ta'a'un. The Turkish Copirli Library, dated at 1492, Manuscript No.255, folium 4A-4B; 1492. [Arabic]
3. Abdul Jabbar AAJ. Prophets of prophecy. Achieved and Presented to him by Othman AK. Beirut: Dar al-Arabiya for Printing, Publishing and Distribution; No Date. Vol.2 p.631, 633-645. [Arabic]
4. Saadi AMM. Bostan Sa'adi (Saadi letter). Corrected and Explained by Yousefi GH-H. Tehran: Kharazmi Publications; 2005. p.139. [Persian]
5. Safi FA. Latâyef al-Tawaef. Translated by Golchin Me'ani A. Tehran: Iqbal Publications; 1988. p.205-207. [Persian]
6. Safa Z. History of Iranian Literature in Iran. Tehran: Ferdows Publications; 1990. Vol.3 p.49-50, 103. [Persian]
7. Edalat A. The Catastrophe Hypothesis: The Lasting Impact of the Mongolian Tragedy on Iran's Political. *Social and Scientific History* 2010; 77-78: 235-245. [Persian]
8. Gachik A. An overview on Islamic Manuscripts. Translated by Ansari N. Tehran: Library and Information Science Research Institute; 1989. Vol.14 p.5-12. [Persian]
9. Marashi SM. An Overview on the Manuscripts. *Miras Shahab* 2010; 59: 3-30. [Persian]
10. Anonymous. Collection of Treatises, Manuscript No.957, folium: 30B, 34B, 35 A, folium: 29b-30a, folium: 30a, folium: 30b, folium: 30b, folium: 30a, folium: 31b. Istanbul: Reserved in the Library of the Osmania Glory of Turkey; No Date. [Persian]
11. Anonymous. Treatise on the science of strangers, Manuscript No.16509, folium: 5A, folium: 6B, 7A, folium: 5b, 39b, folium: 6b-7a, folium: 7b, 8b, folium: 19a-19b, folium: 48b, folium: 28b, folium: 36a-36b, folia: 20a-30b, folia: 17a-26a. Tehran: Reserved in the Library of the Islamic Consultative Assembly of Iran; No Date. [Persian]
12. Shojaa Shirazi S. Anis al-Nas "Human Lover". Edited by Afshar I. Tehran: Translation and Publishing Company; 1976. p.218-227. [Persian]
13. Dekhoda AA. Amthalwa Hikam "Proverbs and Verdicts". Tehran: Amir Kabir Publications; 2004. Vol.1 p.459, 551; Vol.2 700, Vol.4 p.919-922, 1007. [Persian]
14. Amoli SH. Nafais al-Fonon fi Arais al-Oyun. Tehran: Islamiye Publications; 2002. Vol.3 p.211. [Persian]
15. Holy Quran. Al-Jen: 1-15.
16. Herawi M. Tohfat al-Gharayeb "Masterpiece of Strange", folium: 13a-13b, folium: 44b, folium: 13a, Manuscript No.2848. Istanbul: Reserved in the Library of the Noor Osmania of Turkey; 1737. [Persian]
17. Fayoumi S S. The Numerical Miracles in the Holy Quran. Cairo: Maktaba al-Ghods; 2006. [Arabic]
18. Ravandi M. Tarikh Ejtemai Iran "Iranian Social History". Tehran: Negah Publications; 1999. Vol.8 p.625-630. [Persian]